

در گفتگو با فرهاد پرویزیان:

## چرا مردم ایران با دید وسواس به مسئولان نگاه می‌کنند؟

اگر نگاهی به نظرات مردمی، در فضاهای مجازی ببینیم، و در کنار هم قرار دادن رفتارها و عکس العمل‌های هموطنان، به بی‌اعتمادی و بدبینی گسترش یافته‌ای می‌رسیم که همه در حال رنج کشیدن از آن هستند. رنجی که بر زندگی و تعاملات ما سایه انداخته و هر روز پرننگتر از قبل می‌شود.

به گزارش سایت خبری پرسون، «فیلمی در صفحه یک روانشناس، گذاشته شده است. ماموران سد معبر شهرداری را نشان می‌دهد که وسایل پیرمردی را جمع کرده و سر او را بوسیده و از او خواهش می‌کنند که در این مکان، وسایلش را نفروشد. محبت و احترام این ماموران آنقدر دلنشین است که در دلمان به آنها تحسین می‌کنیم.»

اما وقتی به قسمت نظرات مردمی در پایین صفحه مراجعه کردم با موجی از حرفهای به اصطلاح درشت و بی‌ادبانه‌ای مواجه شدم که هیچ انتظارش را نداشتم. این همه بدبینی و اهانت از کجا می‌آید؟ آن هم در صفحه یک فرد خوشنام که برای داشتن یک حس خوب، یک فیلم را بازنشر کرده است؟

«آقا، نزدیک به انتخاباته، رفتی تو فاز خوشی و محبت؟»

«از فلان کانیدیدا حتما حمایت می‌کنی! برو. مثل روز روشن»

«مردم تو خونشون تکه تکه شدن بعد میگی محبت کردن؟ همینا تا دیروز داشتن مردم رو میزدن و جمع میکردن که کار نکنن. چی شده محبتشون گل کرد؟»

«با یه گل بهار نمیشه»

«چه کار خوبی، ای کاش همیشه اینطوری با مردم رفتار کنن»

....

حالا بگذریم که اکثر مابقی نظرات حاوی دشنام و جملات بی‌ادبانه‌ای بوده است، این نظرات ناآشنا نبودند. در گفتگو با بسیاری از اساتید دانشگاه، کارشناسان، این جملات از آنها مشترک است. «ما یک جمله می‌گوییم ولی مردم هزاران تفسیر جورواجور دارند. تا سه ماه باید تاوان دهیم. متهم به دورویی می‌شویم و متهم به حمایت از این و آن»

آنچه می‌بینیم یک بی‌اعتمادی گسترده است که به همه چیز شک دارند و دوست هم دارند همه با آنها موافق باشند تا تخلیه شوند. اگر فردی در این بین از نگاه مثبتی حرف بزند به ناگاه همه با نگاه دورویی او را مواخذه می‌کنند. «اگر اپیدمی بی‌اخلاقی گسترش یابد، هیچ کجا را مصون نمی‌گذارد» این جمله کارشناسان است. که نگران رواج بی‌اعتمادی، بدبینی و بی‌اخلاقی در جامعه هستند.

چیزی که ناراحت کننده است شنیدن مداوم این جملات از کارشناسان است. اما اگر فکری کنید چون نزدیک به انتخابات است مردم اینگونه بازخورد نشان می‌دهند مطمئناً اینطور نیست. ولی در این زمان بی‌اعتمادی به وجود آمده خودش را بیشتر نشان داده است. اگر فقط اینستاگرام و صفحات اجتماعی را نایده بگیریم، در تاکسی، مترو، در صف نانوايي، در هر جمع که دو نفر بیشتر در آن حضور دارند این موج بی‌اعتمادی را شاهدیم.

چه بر سر مردم ایران آمده است. این رفتار خطرناک نیست؟ ادامه این رفتار چه بر سر روح و روان ملت بزرگی چون ایران خواهد آورد؟

آنچه می‌بینیم یک بی‌اعتمادی گسترده است که به همه چیز شک دارند و دوست هم دارند همه با آنها موافق باشند تا تخلیه شوند. اگر فردی در این بین از نگاه مثبتی حرف بزند به ناگاه همه با نگاه دورویی او را مواخذه می‌کنند. «اگر اپیدمی بی‌اخلاقی گسترش یابد، هیچ کجا را مصون نمی‌گذارد» این جمله کارشناسان است. که نگران رواج بی‌اعتمادی، بدبینی و بی‌اخلاقی در جامعه هستند.

فرهاد پرویزیان روانشناس بالینی و مدیر مسئول مرکز خدمات مشاوره و روانشناختی مادر، در گفتگو با «سایت خبری پرسون»، با اشاره به گسترش اپیدمی بی‌اعتمادی و بدبینی در جامعه ما، علل به وجود آورنده این بی‌اعتمادی را مخصوصاً در زمانی که در انتظار یک رویداد مهم ملی (انتخابات) هستیم را بررسی می‌کند.

وی بیان می‌کند: «دسترسی به اطلاعات در جامعه ایران، بسیار محدود است و یک کانال و رسانه رسمی برای انتقال اطلاعات وجود دارد که رسانه ملی و رسانه‌هایی که حاکمیت آنها را تایید کرده است می‌باشد، اما مدتهاست که این تفکر در مردم به وجود آمده است که به خیلی از اطلاعات و جواب‌ها، نمی‌توانند از طریق رسانه‌های ملی، دسترسی داشته باشند»

این روانشناس بالینی حضورگسترده رسانه های دیجیتال و صفحات اجتماعی که حاوی مطالب راست و دروغ بسیاری هستند اشاره و معتقد است که عدم کنترل بهینه این فضا، سبب شده است مردم نیاز و عطش رفع ابهام خود را در این فضاها برطرف کنند. اما صحت و سقم اطلاعات در این صفحات و رسانه ها آنقدر مشکل می باشد که مردم را در ورطه سردرگمی و ناامیدی رها کرده است.

«اطلاعات نادرستی که در رسانه های گوناگون، منتشر می شود اثرات مخربی بر هموطنان داشته و بی اعتمادی در جامعه ما را افزایش می دهد. این شایعات مردم را دچار هیجان منفی، اضطراب و نگرانی و حتی اندوه می کند و سبب می شود که روحیه جمعی را تضعیف و همگرایی در جامعه را دچار مشکل نماید. در موقعیت های کلیدی همچون انتخابات، که قدرت تصمیمگیری درست و منطقی مردم موردنیاز است، مسما این قدرت کاهش می یابد.»

پرویزیان در ادامه توضیح می دهد که: به طور مثال، زمانی که کاندیدها در رسانه ملی صحبت می کنند و بنا به دسترسی هایی که بعضی ها به منابع اطلاعاتی کشور و سوابق رقبای انتخاباتی خود دارند، بر علیه هم در این رسانه آن هم در حضور مردم، استفاده کرده و سعی می کنند رقیب را از میدان به در کرده و نظر مردم را به نفع خود تغییر دهند اما اتفاقی که در اینجا می افتد ضربه به اعتماد مردمی، است که به مسئولان جامعه خود نگاه می کنند.

«مردم بی اعتماد، به سمت اطلاعات نادرست، گرایش پیدا کرده و همین جامعه را آسیب پذیر می کند»

وی در ادامه تاکید می کند: وقتی قدرت تصمیم گیری درست در مردم کاهش پیدا کند، هیجانی برخورد کرده و گرفتن تصمیم عقلانی درست بر اساس شناخت منطقی که بتواند آنها را به سمت انتخاب یک فرد شایسته، برای تصدی پستی مهم را هدایت کند را از خود دریغ کرده و اینجاست که اهمیت رشد بی اعتمادی و تبلیغات مخرب، خودش را به وضوح نشان می دهد.

«مردم بی اعتماد، به سمت اطلاعات نادرست، گرایش پیدا کرده و همین جامعه را آسیب پذیر می کند»

همانطور که می دانیم، بی اعتمادی ظرف یک روز و یک ماه ساخته نشده است اما کم کم تبدیل به غولی می شود که جامعه اسیر آن شده و در صحنه های تاثیرگذار، ممکن است در مقابل بدخواهان، کشور را بی دفاع نماید. بسیاری از کارشناسان معتقدند که مردم جواب سوالات خود را به درستی دریافت نکرده و یا آنچه که دریافت کرده اند، با واقعیتی که در جلو نگاهشان قرار دارد کاملا متفاوت می باشد و از همین رو با بی اعتمادی به مسئولان، می خواهند آنها را متوجه مسئولیتی که در قبالشان دارند بیاندازند.

اما آنچه در روزهای نزدیک شدن به انتخابات، بیشتر از قبل نمایان شده است، نیاز به تداوم و جاری بودن حس اعتماد و اطمینان در کل جامعه ایرانی است. حسی که اگر هم صدمه دیده است باید به ترمیم آن پرداخت و آن را نادیده نگرفت.